

وانى اتقرب اليك يا الهى فى جنح هذه الليلة الظلماء...

حضرت عبدالبهاء

Original English



٢

وانى اتقرب اليك يا الهى فى جنح هذه الليلة الظلماء وانا جيک بلسان سرى مهترًا بنفحاتك التى انتشرتم
ملكوتك الأبهى و اقول

رب لا احصى ثناء عليك و لا اجد لطبور الأفكار صعوداً الى ملكوت قدسك تقدّست بكينونتك عن كل ذكر
و ثناء و تنزهت بهويتك عن محامد اهل الأنشاء لم تزل كنت فى تقدّس ذاتك متعالياً عن ادراك العارفين من
الملا الأعلى و لا تزال تكون فى تنزيه حقيقتك ممتنعاً عن عرفان الواصفين من سگان جبروت العلى.

الهى الهى مع هذا الأمتناع كيف اذكرک بذکر او اصفک بوصف تعاليت يا الهى و تقدّست عن كلّ النعوت و
الأوصاف.

الهى الهى ارحم عجزى و انكسارى و فقرى و ذلّ و مسكنتى و انلى كأس عفوك و موهبتك و حرّكنى
بنفحات محبتك و اشرح صدرى بنور معرفتك و طيبّ نفسى باسرار توحيدک و احيينى بنسائم رياض رحمانيتك
حتى انقطع عن دونک و اتوسّل بذيل رداء كبريائك و انسى ما سواک و استئنس بنفحات ايامک و اتوفّق على
الوفاء فى عتبة قدسک و على القيام بخدمة امرک و على الخضوع و الخشوع عند احبائك و الانعدام و الفنا فى
مضراصفياك.



ORIGINAL



AUDIO

انك انت المؤيد الموفق العليّ الكريم

الهي الهى اسئلك باسراق انوار طلعتك التي اشرفت بها الآفاق و بلحظات عين رحمتك التي شملت كل الأشياء و بتوجات بحر عنایتك التي فاضت على الأطراف و بامطار سحاب موهبتك التي هطلت على حقائق الممكنات و بانوار رحمتك التي سبقت الموجودات بان تؤيد الأصفیاء على الوفاء و توفّق الأحباء على خدمة عبتك العليا و تنصرهم بجنود قدرتك التي احاطت بالأشياء كلها و تنجدهم بجيش عرمرم من الملائكة الأعلی.

ای ربّ انهم ضعفاء بابك و فقراء في فنائك و مضطرون الى فضلک و محتاجون الى تأييدک و متوجهون الى ملكوت توحيدک و مشتاقون لفيوضات موهبتك ای ربّ صفّ ضمائرهم بانوار تقديسک و طيب سرائرهم بموهبة تأييدک و اشرح قلوبهم بنفحات السرور و الحبور المنتشرة من ملكك الأعلی و نور بصائرهم بمشاهدة آياتك الكبرى و اجعلهم آيات التقديس و رايات التنزيه تخفق في قطب الأماكن على عموم الوری و اثر كلامهم في القلوب التي كانت كالصخرة الصماء حتى يقوموا على عبوديتك و ينقطعوا الى ملكوت ربوبيتك و يتوجهوا الى جبروت قيوميتك و ينشروا آثارک و يتنوروا بانوارک و يبينوا اسرارک و يهدوا عبادک الى الماء المعين و عين التسليم التي نبتت و فارت في بجوحة فردوس احديتك و ينشروا شرع الأنقطاع على سفينة النجاة و يسيروا في بحار معرفتك و يبسطوا اجنحة التوحيد و يطيروا بها الى ملكوت وحدانيتك و يصبحوا عباداً ينطقون بالنعوت من الملائكة الأعلی و يثنى عليهم اهل ملكوتك الأبهی و يسمعون نداء هواتف الغيب بالبشارة الكبرى و يناجوك في الأسفار بادع الاذکار شوقاً الى لقاءك يا ربّي المختار و يبكون بالعشيّ و الأشراق توقاً الى الورد في ظلّ رحمتك العظمی.

ای ربّ ايدهم من جميع الشئون و انصرهم في كلّ الأحوال بملائكة قدسک التي هم جنود لا يرونها و كتائب غالبية على جيوش الملائكة الأذنی

انك انت المقتدر العزيز القوی المحيط و انك لعلی كلّ شيء قدير

پاک یزدانا خداوند مهربانا آوارگان کوی توئیم و مشتاقان روی تو و عاشقان خوی تو بیچاره یم افتاده ایم ذلیم حقیریم ضعیفیم رحمتی فرما و موهبتی عنایت کن از قصور در گذر و خطایای بی پایان پوش هر چه هستیم از توئیم و آنچه گوئیم و شنویم وصف تو گوئیم و روی تو جوئیم و در ره تو پوئیم تو خداوند مهربانی و ما گنهکار بیسر و سامان پس ای ابر رحمت رشحاتی ای گلشن عنایت نفحاتی ای بحر موهبت موجی و ای آفتاب عنایت پرتوی رحم فرما عنایت کن قسم بجمالت که جز خطا متاعی نه و بغیراز آمال اعمالی نه مگر پرده ستاریت پوشاند و حفظ و حمایت شامل حال گردد و الا این ضعفا را چه توانائی که بخدمت پردازند و این فقرا را چه غنائی که بساط عزت بگسترانند توئی مقتدر و توانا تأیید کن توفیق بخش این نفوس پزمرده را برشحات ابر موهبت طراوتی عنایت کن و این حقائق مبتدله را باسراقات شمس احدیت روشنائی بخش این ماهیان تشنه لب را بدریای

رحمت افکن و این قافله گمگشته را پناه احدیت دلالت کن گمگشتگان را بعین هدایت دلالت کن و آوارگان را در پناه عزت مآوی بخش تشنگان را از سلسبیل موهبت بنوشان و مردگان را بحیات ابدیه زنده کن کوران را بینا فرما و کران را شنوا کن و گنگان را گویا نما و افسردگان را برافروز غافلان را هشیار کن و خفتگان را بیدار نما و مغروران را متنبه در هر کار.

توئی مقتدر توئی بخشنده توئی مهربان انک انت الکریم المتعال

ای یاران الهی و یاوران این عبد فانی چون شمس حقیقت از مطلع آمال فیض نامتناهی مبذول داشت و افق وجود پرتو تقدیس منور گشت چنان جلوه فرمود که ظلمات دهماء مضمحل و معدوم گردید لهذا خطه خاک غبطه افلاک شد و عرصه ادنی جلوه گاه ملکوت اعلی گشت نفحات قدس وزید و روائح طیبه منتشر شد نسائم ربیع الهی بمرور آمد و اریاح لوائح فیوضات نامتناهی از مهب عنایت بوزید صبح نورانی دمید و بشارت کبری رسید نوبهار الهی در عالم امکانی خیمه و خرگاه زد ارض وجود بحرکت آمد و خطه شهود مهتر گشت خاک افسرده ریاض باقیه شد و ارض میته حیات ابدیه یافت گل و ریاحین عرفان روئید و سبزه نوخیز معرفه الله دمید عالم امکان مظهر فیوضات رحمان شد و حضرت شهود جلوه گاه غیب مکنون گردید ندای الهی بلند شد و بزم الست آراسته گشت کأس میثاق بدور آمد و صلاهی عمومی بلند شد قومی سرمست آن صهبای الهی شدند و گروهی محروم از آن موهبت عظمی نفوسی از پرتو عنایت بصر و بصیرت روشن نمودند و طائفه از نعمات احدیت بوجد و طرب آمدند مرغانی در گلشن تقدیس آغاز نغمه و ترانه نمودند و بلبلانی بر شاخسار گل رحمانی فریاد و فغان کردند ملک و ملکوت تزیین یافت و رشک بهشت برین گردید ولی هزار افسوس که غافلان هنوز در خواب غفلت گرفتار و بیخردان از این موهبت مقدسه بیزار کوران مجویند و کران محروم و مردگان مأیوس چنانچه میفرماید اولئک یئسوا من الآخرة کما یئس الکافرین اصحاب القبور.

شما ای یاران رحمانی بشکرانه رب و دود زبان گشائید و بجمد و ستایش جمال معبود بپردازید که از این کأس ظهور سرمستید و از این جام صهباء پرنشئه و انجذاب از نفحات قدس مشام معطر نمودید و از رائحه قیص یوسف وفا دماغ معنبر گردید شهد وفا را از دست دلبر یگنا چشیدید و مائده ابدیه را در خوان نعمت حضرت احدیت تناول نمودید این موهبت از خصائص حضرت رحمانیت است و این فضل و جود از نوادر عطایای رب و دود در انجیل میفرماید المدعوون کثیرون و المختارون قلیلون یعنی امت دعوت بسیارند ولی نفوسیکه بفضل و موهبت هدایت مخصص میگردند کمیاب ذلک من فضل الله یعطیه من یشاء والله ذو فضل عظیم.

ای یاران الهی شمع میثاق را اریاح نفاق از اهل آفاق احاطه نموده و بلبل وفا را زاغان جفا اهل فتور هجوم نموده حمامه ذکر را جعدان پیفکر در صددند و غزال صحرای محبه الله را درندگان در پی روان لهذا خطر عظیمست و عذاب الیم.

احبای الهی باید چون جبل متین باشند و چون بنیان رزین رصین از شدائد بلایا مضطرب نگردند و از عظام رزایا محزون نشوند توسل بذیل کبریاء جویند و توکل بجمال اعلی نمایند تکیه بر عون و عنایت ملکوت قدیم کنند و اعتماد بر صون و حمایت ربّ کریم در هر دمی از شبنم عنایت پرتراوت و لطافت گردند و در هر نفسی از نفثات روح القدس زنده و تازه و خرم شوند و بر خدمت حضرت ربوبیت قیام کنند و در نشر نفعات الله منتهای همت را مبذول دارند امر مبارک را حصن حصین باشند و جنود جمال قدم را قلعه رزین و رصین بنیان امر الله را از هر جهت حافظ امین گردند و افق مبین را نجم منیر شوند زیرا ظلمات دهماء امم از هر جهت در هجوم است و طوائف عالم در فکر محویت نور معلوم با وجود هجوم جمیع قبائل چگونه میتوان دمی غافل بود البته هوشیار باشید و بیدار و در حفظ و حمایت امر پروردگار.

الیوم الزم امور تعدیل اخلاقست و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار باید احبای رحمان بخلق و خوئی در بین خلق مبعوث گردند که رائحه مشکبار گلشن تقدیس آفاق را معطر نماید و نفوس مرده را زنده کنند زیرا مقصود از جلوه الهی و طلوع انوار غیب غیر متناهی تربیت نفوس است و تهذیب اخلاق من فی الوجود تا نفوس مبارکی از عالم ظلمانی حیوانی نجات یافته بصفتی مبعوث گردند که تزین حقیقت انسانیت ناسوتیان لاهوتیان شوند و ظلمانیان نورانیان گردند محرومان صرف محرم راز ملکوت شوند و معدومان محض مأنوسان جلوه لاهوت شوند بی نصیبان از بحر بی پایان نصیب برند و نادانان از معین حیوان دانائی سیراب شوند درندگان ترک درندگی کنند و تیزچنگان در نهایت بردباری باشند اهل جنگ صلح حقیقی جویند و درندگان تیز چنگ از سلم حقیقی بهره برند ناپاکان از عالم پاکی خبر گیرند و آلودگان از جوی تقدیس نصیب برند.

اگر این فیوضات الهیه در حقائق انسانیه جلوه نماید فیض ظهور بی ثمر ماند و جلوه شمس حقیقت بی اثر گردد.

پس ای یاران الهی بجان و دل بکوشید تا از خلق و خوی مبارک نصیب و بهره گیرید و از فیوضات تقدیسش قسمتی برید تا آیات توحید شوید و رایات تجرید گردید و حقیقت تفرید را جوئید و در این گلشن الهی بنغمات رحمانی آغاز نغمه و ترانه نمائید طیور شکور گردید و در گلزار وجود آوازی بنوازید که محیر عقول و شعور گردد در قطب امکان علمی افزاید که پرچم موهبت باریح عنایت موج زند و نهالی در مزرعه وجود و باغ شهود غرس نمائید که ثمرش در نهایت طراوت و حلاوت باشد.

قسم بمرئی حقیقی که اگر بنصائح الهی که در الواح نورانی نازل عامل گردید این خاک سیاه آئینه ملکوت اعلی شود و این حیز ادنی کاشف ملکوت ابهی گردد.

ای یاران الهی الحمد لله فیوضات غیبی شمس حقیقت از جمیع جهات محیط است و ابواب رحمت از جمیع اشیار مفتوح وقت استفاضه است و هنگام استفاده وقت را غنیمت شمردید و فرصت را از دست مدهید از شئون این عالم ظلمانی بکلی بیزار گردید و بشئون و آثار حقایق ملکوتیه واضح و آشکار شوید تا ملاحظه فرمائید که پرتو

خورشید یزدان در چه درجه روشن و درخشنده است و آثار عنایت از غیب احدیت چگونه باهر و ظاهر و
لاأحست .